



مؤسسه انتشارات عرفان
تهران، ۱۴۰۳

تنباکوی سناحوی سید ابوطالب مظفری

www.ketab.ir



سرشناسه: مظفری، ابوطالب، ۱۳۴۴ -

عنوان و نام پدیدآور: تنبیاکوی تلخ وطنی: مجموعه شعر
سید ابوطالب مظفری، ویرایش: محمدکاظم کاظمی.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه انتشارات عرفان، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.: ۱۴ × ۲۱ س. م.

شابک: 978 - 622 - 93050 - 4 - 1

وضعیت فهرست نویسی: فیبا.

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴.

موضوع: Persian Poetry -- 20th century

رده‌بندی کنگره: PIR ۸۳۶۱

رده‌بندی دیویی: ۸۶۲ / ۱۷۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۱۷۱۶۶۰

اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیبا

عقلم
مؤسسه انتشارات عرفان

تنبأگوی تلخ وطنی
مجموعه شعر | عبدالباقی مظفری

ویرایش و صفحه‌آرایی: محمدکاظم کاظمی
طرح جلد: باسم رسام | طرح صفحات: وحید عباسی
لیتوگرافی: نقره‌آبی | چاپ: ثمین | صحافی: عرفان و نوری
چاپ دوم، ۱۴۰۳ | شمارگان: ۱۰۰۰ | چاپ همزمان در ایران و افغانستان
حق چاپ در افغانستان و ایران برای ناشر محفوظ است.

تهران، خیابان دکتر شریعتی، انتهای خیابان یخچال، بن بست بانکی،
پلاک ۲، واحد ۴ | تلفن: ۹۱۲۳۱۳۱۴۵۵ - ۰۰۹۸
کابل، چوک دهبوری، چهارراهی شهید،
کتاب‌فروشی مؤسسه انتشارات عرفان. | تلفن: ۷۹۹۳۴۹۷۲۷ - ۰۰۹۳
تلگرام: @ketaberfan - ایمیل: ketaberfan@yahoo.com

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۹۳۰۵۰ - ۴ - ۱
ISBN: 978 - 622 - 93050 - 4 - 1

۹	یادداشت سراینده
۱۱	محبوبیم (۱)
۱۸	عقاب چگونه می‌میرد؟
۲۴	سارا
۲۶	من و تو
۲۷	محبوبیم (۲)
۳۴	کوچ
۳۶	حسد
۳۷	از من دور شوید
۴۱	وصیت
۴۵	تنباکوی تلخ وطنی
۵۶	تباهی
۵۷	در کتان گل‌دارش
۵۹	آتش‌بازی
۶۰	خاطره
۶۲	کتب علی نفسه محبه
۶۴	فقر و عشق
۶۵	مرگ
۶۷	قیافه مرگ
۷۰	ای فراموشی

۷۳	یاران من
۷۵	آرام بخواب
۷۷	نامه
۷۹	مهاجرت
۸۱	خاک دانا
۸۳	عطر دوست
۸۵	جنی شدگان
۸۸	برکه تمساح‌ها
۸۹	غزل
۹۲	دیوانم برفی
۹۶	مرز
۹۹	حج ناتمام
۱۰۱	نظرگاه
۱۰۲	آخر الزمان
۱۰۳	سفر
۱۰۶	مرگ
۱۰۸	سایه‌ها
۱۰۹	حسب حال
۱۱۵	توجیه
۱۱۶	قله
۱۱۷	ده ما
۱۱۸	خاک آفت دیده

یادداشت سراینده

زمانِ آموختن هر فن و هنری در بهترین حالتش، دوران کودکی و نوجوانی است. مانند زبان مادری که گاه صورت‌بندی آن در ذهن و ضمیر کودک، سال‌های اولیهٔ زندگی است. آدم ممکن است در بزرگسالی فن و هنری را بیاموزد یا زبان دوم و سوم را یاد بگیرد، ولی هیچ‌کدام آن‌ها طبیعیِ او نیستند و این آموختن خالی از دشواری‌هایی نخواهد بود.

من سرودن شعر سپید را همپای شعرهای کلاسیک شروع کردم، ولی پیش از سرایش و در دوران کودکی و جوانی با آن آشنا نبودم. در آن زمان قالب شعر از نظر من همان غزل و مثنوی بود. بعدها وقتی مطالعهٔ شعر را به صورت حرفه‌ای آغاز کردم، دیدم امروزی‌ها فرم‌های تازه‌ای را آزموده‌اند. بعد از مطالعهٔ آثار شاعران نوپرداز بود که با شعر نیمایی و سپیدانس و الفت گرفتم، ولی چون باید آن‌ها را از نو یاد می‌گرفتم، سرودنش، برخلاف جوانانی که در این روزها شعر می‌گویند، برایم طبیعی و راحت نبود. شاعران جوان روزگار ما چنان که زبان و لهجهٔ معاصر برایشان راحت است، قالب‌های شعر مدرن نیز برایشان طبیعی است.

این است که کمتر به آن پرداخته‌ام و یادم نمی‌آید در این سال‌ها در شب‌شعرها، جز یک مورد یعنی همان شعری که نام این کتاب از آن

گرفته شده است، شعر سپیدی خوانده باشم. بنابراین ادعایی در این عرصه ندارم. این قدر می‌توانم بگویم که شعرهای سپیدم بر قانون خودم است. این ادعا البته به معنی این نیست که روابط پیچیده تأثیر و تأثر متون را نفی کنم. من چه در نثر و چه در شعر آزاد، سعی دارم موضوع و زبان را آنقدر تصنعی و پیچیده نسازم که مخاطب تازه‌کار، از راه یافتن به درون شعر باز ماند و آن را حمل بر قدرت زبانی یا عمق مفهومی نویسنده یا شاعر کند. زبان را در طبیعی‌ترین شکل آن به کار می‌برم تا اگر درونمایه کار، حرفی داشت، گرفته شود و اگر نداشت طشت رسوایی‌اش از بام بیفتد. احساس دیگرم این است که در شعر سپید بیشتر خودم هستم تا قالب‌های کلاسیک که آنجا شاعر ناگزیر از مقداری محجوب شدن در ساختار است. بیشتر این شعرها، حتی بلندترینشان، در یک نشست گفته شده است و از این رو احساس و عاطفه در آن‌ها وحدت بیشتری دارد. می‌شد با پس و پیش کردن فعل‌ها، حذف و ایجازهای بیانی و مونتاژهای زبانی و تکنیک‌های گوناگون، آن‌ها را روزآمد کرد، ولی این کار را کمی از صداقت دور می‌دیدم. بنابراین قانونی را که برای جوانان شاعر جلسات نقد توصیه می‌کنم، آگاهانه از خودم دریغ کرده‌ام.

پایان سخن اینکه در چاپ این کتاب و کتاب شهریار و شتربانی، سفارش و تشویق دوستانم محمد کاظم کاظمی، عابد قدسی و ابراهیم شریعتی، بیش از شوق خودم بوده است. بنابراین سپاسگزار این جوانمردان هستم.

باقی بقای شما

زمستان ۱۴۰۱

سید ابوطالب مظفری

